



First Language Lexical Attrition among Kurdish-Persian Bilinguals: A Case Study in Eslam-Abad-e Gharb

Kourosh Saberi¹, Donya Jafari², Nouzar Gheisari³

1. Assistant Professor of Linguistics, Department of English Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran. E-mail: saberi50k@yahoo.com
2. M.A. of Linguistics, Department of English Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran. E-mail: jafari.donya.1372@gmail.com
3. Ph.D. of TEFL, Department of English Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran. E-mail: gheisarinouzar@gmail.com

Article Info

ABSTRACT

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 21 October 2021

Received in revised form:
10 March 2022

Accepted: ۰۳

۲۰۲۲

Available online: 22 June
2022

Keywords:

sociolinguistics,
language contact,
bilingualism,
language attrition,
Kalhori Kurdish.

A significant percentage of the Iranians are bilinguals who learn minority languages in the family and the Persian language in schools. The permanent contact of non-Persian speakers with Persian and learning it as a second language has provided the ground for the attrition of their first language. This process can lead to the replacement and death of minority languages in the long term. The present study investigated the lexical attrition of the first language among Kurdish-Persian bilinguals in Eslamabad-e Gharb. This study was done with the participation of 120 bilingual men and women between the two age groups of 18 to 30 and 65 years and older. The results of the study showed that male speakers are more capable of preserving the vocabulary of the first language and their lexical ability is less attrited than females. Also, older age group has a greater ability to retain first language vocabulary and their lexical ability is less attrited than younger (18-30). Considering the linguistic tendencies and choices of women and youths and their inclination towards the standard and official languages, the higher percentage of lexical attrition among women and younger indicates the trend of first language attrition among Kurdish-Persian bilinguals.

Cite this article: Saberi, K., Jafari, D., Gheisari, N. (2022). First Language Lexical Attrition among Kurdish-Persian Bilinguals: A Case Study in Eslam-Abad-e Gharb. *Research in Western Iranian Languages and Dialects*, 10 (2), 19-37.



© The Author(s).

Publisher: Razi University.

DOI: 10.22126/JLW.2021.7059.1591



بررسی میزان فرسایش واژگان زبان اول در میان دوزبانه‌های کردی-فارسی شهر اسلام‌آباد غرب

کوروش صابری^۱، دنیا جعفری^۲، نوذر قیصری^۳

۱. نویسنده مسئول، استادیار زبان‌شناسی گروه زبان انگلیسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. رایانامه: saberi50k@yahoo.com
۲. کارشناس ارشد زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. رایانامه: jafari.donya.1372@gmail.com
۳. دانش‌آموخته دکتری آموزش زبان انگلیسی، آموزش و پرورش استان کرمانشاه، کرمانشاه، ایران. رایانامه: gheisarinouzar@gmail.com

چکیده

اطلاعات مقاله

درصد قابل توجهی از جمعیت سرزمین ایران دوزبانه‌هایی هستند که زبان‌های اقلیت را در محیط خانواده و زبان رسمی، یعنی فارسی را در محیط‌های آموزشی یاد می‌گیرند. تماس دائمی غیر فارسی‌زبانان با زبان فارسی و یادگیری فارسی به‌مثابه زبان دوم، زمینه فرسایش زبان اول را فراهم آورده است. پژوهش حاضر به بررسی فرسایش واژگان زبان اول در میان دوزبانه‌های کردی - فارسی در شهر اسلام‌آباد غرب پرداخته است. نوشتار پیش رو با شرکت ۱۲۰ نفر از زنان و مردان دوزبانه ساکن در شهر اسلام‌آباد بین دو گروه سنی ۱۸ تا ۳۰ و ۳۰ تا ۶۵ سال و بالاتر انجام شد. نتایج بررسی‌ها نشان داد که گویشوران مرد توانایی بیشتری در حفظ واژگان زبان اول (کردی کلهری) دارند و توانش واژگانی آن‌ها نسبت به زنان هم‌سن خود کمتر دچار فرسایش شده است؛ همچنین گروه سنی بالا (۶۵ سال و بالاتر) توانایی بیشتری در حفظ واژگان زبان اول دارند و توانش واژگانی آن‌ها نسبت به افراد جوان‌تر (۱۸ تا ۳۰) کمتر دچار فرسایش شده است. با توجه به گرایش‌ها و انتخاب‌های زبانی زنان و جوانان و توجه آن‌ها به زبان معتبر و رسمی، بالاتر بودن درصد فرسایش واژگانی میان زنان و جوانان نشان‌گر در جریان بودن روند فرسایش زبان اول در میان دوزبانه‌های کردی - فارسی اسلام‌آباد است.

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۲۹ مهر ۱۴۰۰

تاریخ بازنگری: ۱۹ اسفند ۱۴۰۰

تاریخ پذیرش: ۲۲ اسفند ۱۴۰۱

دسترسی آنلاین: ۱ تیر ۱۴۰۱

واژه‌های کلیدی:

زبان‌شناسی اجتماعی،
برخورد زبانی،
دوزبانی،
فرسایش زبانی،
کردی کلهری.

استاد: صابری، کوروش؛ جعفری، دنیا؛ قیصری، نوذر (۱۴۰۱). بررسی میزان فرسایش واژگان زبان اول در میان دوزبانه‌های کردی-فارسی شهر اسلام‌آباد غرب. فصلنامه مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران، ۱۰ (۲)، ۱۹-۳۷.



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه رازی

DOI: 10.22126/JLW.2021.7059.1591

۱- مقدمه

در بیشتر جوامع و کشورهای چندزبانه، به‌طور معمول یکی از زبان‌های موجود بنابه دلایل فرازبانی، جایگاه زبان میانجی را می‌یابد و به‌مثابه زبان ملّی او/یا زبان رسمی آذر نظام اجرایی، قضایی و قانون‌گذاری و همچنین در نظام آموزش عمومی و رسانه‌های گروهی به‌طور گسترده و نظام‌مند به‌کار گرفته می‌شود. در سرزمین ایران و از گذشته‌های دور، زبان فارسی در سراسر پهنه ایران به‌منزله زبان میانجی به‌کار رفته است.

با انقراض دودمان قاجار و روی کار آمدن پهلوی‌ها و پایه‌گذاری دولت نوین ملّی در ایران، آموزش همگانی به زبان فارسی فراگیر و اجباری شد و در نتیجه حوزه‌های کاربردی زبان‌ها و گویش‌های بومی و اقلیت به‌شدت محدود شد. جایگاه و اعتبار اجتماعی بالای زبان فارسی در سطح جامعه زبانی ایران و همچنین نگرش منفی شماری از گویشوران نسبت به زبان‌های بومی و اقلیت سبب شد تا مهارت و تسلط زبانی گویشوران در زبان‌های مادری کاهش یابد که در دانش زبان‌شناسی از این پدیده به‌طور معمول به‌نام فرسایش زبان اول یاد می‌شود. محدود شدن دایره حوزه‌های کاربردی زبان‌های مادری و فرسایش آن‌ها در سطوح گوناگون واژگانی، نحوی و آوایی، زمینه دگرگونی و تغییر زبانی به‌نفع زبان رسمی، یعنی زبان فارسی را فراهم آورده است. اگرچه آمار صحیح و دقیقی در دست نیست، اما به‌نظر می‌رسد که در صد سال گذشته شماری از زبان‌ها و گویش‌های رایج در سرزمین ایران که گویشوران آن‌ها در اقلیت هستند، دچار فرسایش یا در نهایت تغییر و جایگزینی شده‌اند. مطالعاتی که در چند دهه گذشته درباره میزان فرسایش زبان‌های بومی و اقلیت صورت گرفته، توجه بسیاری را به اهمیت حفظ و نگهداری از زبان‌های میراثی^۹ جلب نموده است.

زبان‌های میراثی زبان‌های غیر غالبی هستند که به‌وسیله اقلیت‌های زبانی صحبت می‌شوند.

-
- . lingua franca
 - . national language
 - . official language
 - . social status
 - . negative attitude
 - . language proficiency
 - . first language attrition
 - . language shift
 - . heritage languages
 - . non-dominant languages
 - . linguistic minorities

کودکان این زبان‌ها را در محیط خانه و خانواده فرامی‌گیرند و این زبان‌ها از دیدگاه مردم عادی معمولاً دارای منزلت و جایگاه اجتماعی پایینی هستند و به همین دلیل در امر آموزش همگانی و رسانه‌های گروهی کمتر به کار می‌روند.

استان پهناور و باستانی کرمانشاه یکی از استان‌های غربی ایران است که مردمان آن به‌طور عمده به زبان کردی و گونه‌های مختلف آن صحبت می‌کنند. زبان کردی یکی از زبان‌های ایرانی شمال غربی است (ارانسکی، ۱۳۷۸). آنچه زبان کردی نامیده می‌شود، دربردارندهٔ مجموعهٔ بسیار متنوعی از زبان‌ها، گویش‌ها و گونه‌های زبانی است که در داخل مرزهای جغرافیایی کشورهای همچون ایران، عراق، ترکیه، سوریه و ارمنستان گویشور دارد. کردی زبان واحدی نیست و در ذیل آن می‌توان به طیف وسیعی از زبان‌ها و گونه‌های زبانی اشاره کرد که در جغرافیای وسیعی گسترده شده‌اند و به همین سبب بهتر است که به جای «زبان کردی» از «خانوادهٔ زبان‌های کردی» سخن گفت. شهرستان اسلام‌آباد غرب در جنوب و جنوب غرب استان کرمانشاه قرار دارد، این شهرستان (۱۴۸۶۳۸) نفر جمعیت دارد که زبان مادری بیشتر ساکنان آن کردی کلهری است؛ اما از آنجاکه زبان فارسی زبان رسمی کشور است، دوزبانگی در سطح اجتماعی^۴ امری رایج است و بیشتر افراد ساکن شهر دوزبانهٔ کردی - فارسی به‌شمار می‌روند.

در نوشتار پیش رو، پژوهش‌گران سعی دارند تا فرسایش واژگانی در زبان اول (زبان کردی) را در میان دوزبانه‌های کردی - فارسی در شهر اسلام‌آباد غرب براساس دو متغیر فرازبانی «جنسیت» و «سن» بررسی و واکاوی کنند. هدف از انجام پژوهش این بود که دریابیم میزان فرسایش واژگان زبان اول (زبان کردی) در میان دوزبانه‌های کردی-فارسی در سطح جامعهٔ زبانی اسلام‌آباد غرب چه میزان است و این فرسایش احتمالی در میان کدام جنسیت و کدام گروه سنی بیشتر در جریان است؛ بنابراین، براساس اهداف تعریف‌شده، صحت و درستی دو فرضیهٔ زیر بررسی شد: (۱) تفاوت معناداری بین زنان و مردان دوزبانهٔ کردی-فارسی ساکن در شهر اسلام‌آباد از نظر میزان فرسایش واژگان زبان اول وجود ندارد. (۲) تفاوت معناداری بین دو گروه سنی (۱۸ تا ۳۰ و ۶۵ سال و بالاتر) دوزبانهٔ کردی - فارسی

. I. M. Oranskij
. Kurdish languages family

۳. این شهر پیش از انقلاب سال ۱۳۵۷ شاه‌آباد (یا در تداول عامهٔ شایاد نامیده می‌شد)

۴. برگرفته از پورتال رسمی استانداری کرمانشاه (<http://www.ostan-ks.ir>)

. societal bilingualism

ساکن در شهر اسلام‌آباد از نظر میزان فرسایش واژگان زبان اول وجود ندارد. بررسی و سنجش میزان فرسایش واژگان زبان اول (زبان کردی) می‌تواند تاندازه‌ای دورنما و آینده این گونه زبانی را از لحاظ بقا یا زوال روشن نماید. به‌طور کلی، مشاهده فرسایش زبانی به‌ویژه در میان نسل جوان و زنان در هر جامعه زبانی مقدمه‌ای بر روندی تدریجی است که فرجام آن می‌تواند مرگ زبان و جایگزینی زبانی باشد؛ بنابراین، مطالعه فرسایش زبانی در سطوح گوناگون زبانی به‌ویژه در مراحل آغازین، دست‌اندرکاران و برنامه‌ریزان زبانی را قادر می‌سازد که برای حفظ و نگهداری زبان‌های میراثی و صیانت از تنوع زبانی در سرزمین پهناور ایران بکوشند.

۲- روش پژوهش

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل زنان و مردان دوزبانه متولد و ساکن در شهر اسلام‌آباد غرب است که زبان مادری آن‌ها کردی کلهری است. به‌خاطر جایگاه زبان فارسی به‌مثابه زبان رسمی و میانجی و رواج پدیده دوزبانگی، شرکت‌کنندگان در پژوهش دوزبانه‌های کردی-فارسی به‌شمار می‌روند. تعداد کل شرکت‌کنندگان در پژوهش حدود (۱۲۰) نفر شامل (۶۰) زن و (۶۰) مرد است که از بین گویشوران ساکن در شهر اسلام‌آباد غرب انتخاب شدند. نمونه آماری پژوهش با توجه به متغیر سن، به دو گروه جوان (۱۸ تا ۳۰ سال) و بزرگسال (۶۵ سال به بالا) تقسیم می‌شود.

براساس جدول (۱) که فراوانی جنسیت پاسخ‌دهندگان را نشان می‌دهد، (۵۰٪) نمونه مورد مطالعه را مردان و (۵۰٪) دیگر را زنان تشکیل می‌دهند که هرکدام از این گروه‌ها شامل (۶۰) نفر و در مجموع (۱۲۰) نفر هستند.

جدول (۱). توزیع نمونه مورد مطالعه براساس جنسیت

جنسیت	فراوانی	درصد
مرد	۶۰	۵۰
زن	۶۰	۵۰
تعداد کل	۱۲۰	۱۰۰

براساس جدول (۲) که توزیع فراوانی سن پاسخ‌دهندگان را نشان می‌دهد، (۵۰٪) نمونه، افراد بین (۱۸) تا (۳۰) سال هستند و (۵۰٪) دیگر نیز شامل افراد دارای سن (۶۵) سال به بالا می‌شود.

جدول (۲). توزیع نمونه مورد مطالعه برحسب سن

زیرگروه‌های سنی	فراوانی	درصد
۳۰-۱۸	۶۰	۵۰

۵۰	۶۰	۶۵ - به بالا
۱۰۰	۱۲۰	تعداد کل

داده‌های پژوهش از راه پرسش‌نامه محقق-ساخته گردآوری شد و پژوهش‌گر خود اقدام به طراحی سؤال‌های پرسش‌نامه برای نخستین بار نمود که دارای دو قسمت سؤال‌های عمومی و سؤال‌های تخصصی بود. در قسمت سؤال‌های تخصصی، دانش زبانی آزمودنی‌ها در سطح واژگانی زبان کردی و در حوزه‌های گوناگون از جمله واژگان انتزاعی، واژگان مربوط به گیاهان، اعضای بدن، نام حیوانات و پرندگان، وسایل و ابزار کشاورزی، مقیاس و اندازه‌گیری، روابط خویشاوندی، مراسم عزاداری و شادی، وسایل مربوط به آشپزی و خوراک، لباس، رنگ‌ها، افعال و بیماری‌ها سنجیده شد. برای گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه الکترونیک^(۱) (آنلاین) استفاده شد. در نوشتار پیش رو، داده‌ها به روش کمی و با نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شدند و به منظور پاسخ به پرسش‌های پژوهش از «روش آزمون مستقل t» استفاده شد.

۳- چارچوب نظری

به‌طور کلی، در زمینه فرسایش زبانی به‌ویژه فرسایش زبان اول در بستر جوامع دوزبانه، پژوهش‌چندانی صورت نگرفته است. متأسفانه، این کمبود در درون جامعه دانشگاهی ایران چشم‌گیرتر است و تعداد پژوهش‌های انجام‌شده از تعداد انگشتان دست نیز فراتر نمی‌رود. در ادامه تعدادی از پژوهش‌های داخلی و خارجی معرفی می‌شوند.

پژوهش‌های داخلی در زمینه فرسایش و مرگ زبانی را می‌توان به سه گروه کلی دسته‌بندی کرد: (۱) پژوهش‌هایی که تنها به دلایل فرسایش و نابودی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی و همچنین ارائه راهکار برای حفظ و نگهداری آن‌ها پرداخته‌اند. (۲) پژوهش‌هایی که به نگرش زبانی گویشوران به زبان‌های بومی و محلی پرداخته‌اند و میزان کاربرد آن‌ها را در حوزه‌های مختلف رسمی و غیر رسمی بررسی کرده‌اند. (۳) پژوهش‌هایی که به‌طور مستقیم میزان فرسایش زبان‌های ایرانی در سطوح مختلف زبانی را بررسی کرده‌اند. تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد، در بستر جوامع دو یا چندزبانه، هیچ پژوهشی در زمینه

۱. به‌منظور افزایش اعتبار یا روایی پرسش‌نامه، پیش از اجرا چند تن از اساتید و متخصصین زبان‌شناسی آن را مطالعه کردند و نظرات اصلاحی آنان در غربال پرسش‌ها و نگارش نسخه نهایی لحاظ شد؛ همچنین، پرسش‌نامه به‌صورت آزمایشی به حدود ده نفر داوطلب داده شد تا اصلاحات و تغییرات نهایی پیش از اجرای پرسش‌نامه اصلی انجام پذیرد.

فرسایش واژگان زبان‌های ایرانی به‌طور کلی و زبان کردی کلهری به‌طور ویژه، نپرداخته است و نوشتار پیش رو کوششی هرچند محدود در پُرکردن این خلأ پژوهشی است.

از جمله نخستین پژوهش‌هایی که در زمینه فرسایش زبانی در داخل ایران انجام شده است، پژوهش محمودی (۱۳۸۷) است. به‌خاطر اهمیت این پژوهش سعی بر آن است تا با جزئیات بیشتری بررسی شود. این پژوهش بر روی فرسایش زبان کردی در میان کردهای سردشتی ساکن تهران انجام شده است و به‌منظور برجسته‌کردن اهمیت حفظ و نگهداری از زبان‌های بومی و میراثی، تلاش کرده تا برای سه پرسش زیر پاسخی بیابد: (۱) فرسایش و تغییرات زبانی در میان کدام جنسیت، گروه سنی و سطح زبانی (واژگان، نحو و آوا) بیشتر دیده می‌شود؟ (۲) بین طول مدت اقامت مهاجران در محیط زبانی جدید و فرسایش زبان اول چه رابطه‌ای وجود دارد؟ (۳) چه رابطه‌ای بین نگرش مثبت هویتی و فرسایش زبان مادری وجود دارد؟ این پژوهش با شرکت (۷۲) نفر از گویشوران گویش کردی سردشتی در دو گروه مستقل ساکن در تهران و سردشت، به‌شیوه میدانی و با استفاده از پرسش‌نامه و مصاحبه انجام شد.

نتایج حاصل از آن را می‌توان در قالب موارد زیر خلاصه کرد: (۱) بیشترین سهم فرسایش زبانی به مهاجران مرد گروه سنی (۲۵-۱۱) سال ساکن در تهران تعلق دارد. (۲) بیشترین میزان فرسایش زبانی به سطح واژگانی زبان و کمترین میزان آن به نحو زبان تعلق دارد. (۳) هرچه طول مدت اقامت افراد مهاجر در تهران بیشتر می‌شود، فرسایش نیز در زبان آن‌ها بیشتر مشاهده می‌شود. (۴) بین نمرات زبانی افراد و نگرش آنان به زبان و هویت فرهنگی، همبستگی مثبت و بسیار بالایی وجود دارد.

فراستی (۱۳۹۵) فرسایش و تغییرات زبانی کردهای ایلامی ساکن در تهران را بررسی کرد. وی در پی یافتن پاسخی برای این پرسش بود که فرسایش و تغییرات زبانی در کدام سطح زبانی (واژگان یا نحو) در میان این گویشوران دوزبانه که زبان مادری آن‌ها کردی کلهری است، بیشتر است. این پژوهش‌گر برای انجام پژوهش خود دو گروه مستقل را بررسی کرد که یک گروه ساکن ایلام و گروه دیگر در تهران ساکن بودند. تعداد (۶۰) گویشور در این پژوهش مورد مطالعه قرار گرفتند. برای گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه استفاده شد. نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش نشان داد که بیشترین فرسایش و تغییرات زبانی متوجه مهاجران گروه سنی زیر (۲۰) سال ساکن در شهر تهران است؛ همچنین فرسایش و تغییرات زبانی در هر دو گروه آزمودنی‌ها، در میان زنان بیشتر از مردان وجود داشت؛ همچنین یکی دیگر از نتایج بیان‌گر آن بود که بیشترین میزان فرسایش زبانی از نوع فرسایش واژگانی است و کمترین میزان فرسایش نیز به سطح نحوی زبان تعلق دارد.

یکی از پژوهش‌هایی که در مورد فرسایش زبانی در کشور ترکیه انجام شده، پژوهش کاساپ^۱ (۲۰۱۵) است. این پژوهش‌گر مسئله فرسایش زبان اول در بین دانش‌آموزان دوزبانه کردی - ترکی را بررسی کرده است. در این مطالعه روایت‌های کردی کرمانجی تولید شده به وسیله دوزبانه‌های کردی - ترکی به منظور نشان‌دادن فرسایش زبانی و تأثیر زبان غالب (زبان ترکی) بر روی زبان کردی بررسی شده است. در این جستار، از دانش‌آموزانی که زبان اول (مادری) آن‌ها کردی است، خواسته شده که داستانی تصویری را روایت کنند تا تأثیر زبان ترکی که زبان رسمی در ترکیه است را روی زبان مادری این دانش‌آموزان بررسی کنند. نتایج نشان داده است که همه دانش‌آموزان از واژگان قرضی در زبان اول خود استفاده کرده‌اند؛ زیرا برای نامیدن برخی عناصر واژگان معادل در زبان خود را فراموش کرده‌اند. پدیده فرسایش زبانی، همچنین، خود را در فراموشی لغات و روان صحبت کردن نشان داده است و تقریباً تمام دانش‌آموزان مورد بررسی در این پژوهش هنگام صحبت کردن به زبان کردی، کلمات را تکرار کرده، مکث داشته‌اند و از رمزگردانی^۲ استفاده کرده‌اند.

هانسن^۳ (۱۹۹۹) بر روی فرسایش زبان دوم در محیطی که زبان ژاپنی استفاده می‌شود، تمرکز کرده است. وی معتقد است که پژوهش‌ها در مورد فرسایش زبانی هنوز در مراحل اولیه خود قرار دارد و حتی تازگی این موضوع جدید بر جذابیت آن و انگیزه و تلاش بیشتر برای روشن کردن ابهام‌های آن می‌افزاید. این پژوهش‌گر چنین عنوان می‌کند که درباره فرسایش زبانی همواره باید سه موضوع مهم را مورد نظر قرار داد، اینکه فرسایش زبانی چرا، در چه سطحی و چگونه رخ می‌دهد؟ پرسش‌های آسانی که پاسخ‌دادن به آن‌ها کار ساده‌ای نیست و تلاش برای یافتن پاسخ آن‌ها نیازمند پژوهش‌های زیادی در موقعیت‌های زبانی مختلف است. کتاب هانسن شامل مجموعه‌ای از مقالات در مورد فرسایش زبانی است و یکی از نتایج مهمی که هانسن ارائه می‌دهد این است که فرسایش به یک‌باره و ناگهانی رخ نمی‌دهد و انتهای یک مرحله نیست، بلکه فرسایش زبانی پدیده‌ای طبیعی است که در طول زمان رخ می‌دهد و در زبان اول و زبان دوم رخ می‌دهد و تنها مختص به زبان اول نیست.

۱-۳- فرسایش زبان اول

در مقایسه با سایر حوزه‌های پژوهشی در زبان‌شناسی، پژوهش در زمینه فرسایش زبانی و به‌ویژه

فرسایش زبان اوّل (زبان مادری)، از پیشینه و سابقه کمی برخوردار است. فرسایش زبانی هنگامی به‌مثابه یک حوزه پژوهشی در سطح جهانی مطرح شد که دانشگاه پنسیلوانیا اوّلین کنفرانس باعنوان «فرسایش مهارت‌های زبانی» را در سال (۱۹۸۰) برگزار کرد (ویلتنز و کوهن، ۱۹۸۹). با توجه به اهمیت این موضوع و نیز اقبال جهانی، این حوزه نوین پژوهشی به‌سرعت در حال پیشرفت و گسترش بوده است و پژوهش‌گران در چند دهه گذشته سرگرم تدوین و تبیین رویکردهای نظری و روش‌شناسی پژوهش در این حوزه بوده‌اند.

پژوهش‌هایی که در زمینه فرسایش زبان اوّل صورت گرفته‌اند، به‌طور معمول به دو گروه اصلی محدود می‌شوند: گروهی که به‌علت‌های گوناگون مانند تحصیل، کار، تجارت یا برای دستیابی به یک زندگی بهتر به دیگر مناطق و کشورها مهاجرت می‌نمایند و بنابراین، زبان اوّل (مادری) آن‌ها یا اصلاً استفاده نمی‌شود یا اینکه به‌میزان اندکی و در حوزه‌های بسیار محدودی به‌کار گرفته می‌شود. ایرانیان فارسی‌زبانی که به کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی مهاجرت کرده‌اند، در این دسته قرار می‌گیرند. در حالت دوم، با گروهی روبه‌رو هستیم که به منطقه یا کشور خاصی مهاجرت نکرده‌اند، بلکه در معرض زبان رسمی کشور محل زندگی خود قرار می‌گیرند و بنابراین، طبق قانون، افزون بر زبان مادری، ملزم به یادگیری یک زبان رسمی نیز هستند.

فرسایش زبان اوّل (مادری) در جغرافیای سرزمین ایران به‌طور عمده محدود به این گروه دوم می‌شود، یعنی کسانی که برای مثال در مناطق، شهرها و روستاهای ترک‌نشین، کردنشین، بلوچ، بختیاری و... زندگی می‌کنند، اما به‌خاطر جایگاه زبان فارسی به‌مثابه زبان رسمی و میانجی، ملزم به آموزش و تحصیل به این زبان هستند. براساس فصل دوم و اصل پانزدهم قانون اساسی کشور جمهوری اسلامی ایران، «زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد...».

در مناطق قومی - زبانی ایران به‌خاطر جایگاه رسمی و منزلت بالاتر زبان فارسی، کودکان به‌ویژه آن‌هایی که به مدرسه می‌روند، از همان ابتدا دوزبانه می‌شوند (دوزبانه‌های کردی - فارسی، بلوچی - فارسی و...) و به‌طور معمول زبان مادری و بومی خود را در موقعیت‌های هرچه کمتر و محدودتری به‌کار می‌گیرند؛ بنابراین، فرسایش زبان اوّل یا زبان مادری در بسیاری از نقاط ایران امری رایج و به

درجات و سطوح مختلف در جریان است. در مورد ارتباط پدیده دوزبانگی با فرسایش زبانی باید گفت که فرسایش زبانی به‌طور معمول در محیط‌های دو یا چندزبانه رخ می‌دهد، به این معنی که همیشه باید یک زبان غالب با عنوان‌های مختلف مانند زبان رسمی، زبان ملی یا زبان میانجی وجود داشته باشد تا سبب فرسایش و در نهایت حذف زبان‌های بومی و اقلیت شود (هردینا و یسنر، ۲۰۰۲؛ سلیگر، ۱۹۹۶).

۲-۳- فرسایش زبانی

فرسایش زبان نوعی از نابودی زبان اول یا زبان دوم است. این تغییر و فرسایش بیشتر در بین گویشورانی مصداق دارد که بیش از یک زبان را می‌دانند و یکی از آن زبان‌ها را که قلمرو گسترده‌تری نسبت به بقیه آن‌ها دارد، بیشتر استفاده می‌کنند یا شرایط موجود آن‌ها را متقاعد یا در مواقعی مجبور به استفاده بیشتری از آن زبان می‌کند. این روند ممکن است رفته‌رفته باعث استفاده کمتر از یک زبان و فرسایش و ازدست‌رفتن آن زبان شود، حتی اگر زبان مورد نظر زبان مادری آن‌ها باشد. با توجه به آنچه گفته شد، فرسایش زبانی در نهایت منجر به ازدست‌رفتن، جایگزینی و مرگ زبان می‌شود. به گفته اشمیت و کوپکه^۴ (۲۰۰۷)، تمامی این پدیده‌ها در جوامعی که دارای بافت چندزبانه هستند، رخ می‌دهد.

اچیسون^۵ (۲۰۱۳) از فرسایش زبان با عنوان تغییر یا تعویض زبان یاد می‌کند. فاسولد^۶ (۱۹۸۷) این فرایند را چنین تعریف می‌کند: «تغییر زبان حالتی است که افراد دوزبانه یا چندزبانه از زبان بومی خود به نفع زبان دیگری دست بکشند که گاه از آن با عنوان «مرگ زبان» نیز یاد می‌شود.» اشمیت (۲۰۰۲) معتقد است که فرسایش می‌تواند در زبان اول، دوم، یا زبان‌های بیگانه به وجود آید و چنین به نظر می‌رسد که فرسایش به وسیله کسانی به وجود می‌آید که به یادگیری زبان دوم علاقه دارند و زمانی که این افراد در حال یادگیری مهارت‌های زبان دوم هستند، زبان اول آن‌ها تخریب و در معرض فرسایش قرار می‌گیرد یا از بین می‌رود. بیشتر افرادی که در موقعیت‌ها و بافت‌های دوزبانه قرار دارند، پدیده فرسایش زبانی را در سطوح مختلف تجربه کرده‌اند. فرسایش زبانی می‌تواند در سطوح مختلف واژگانی، نحوی، آوایی و معنایی به وجود آید.

. dominant language

. P. Herdina & U. Jessner

. H. Seliger

. M. S. Schmid & B. Köpke

. J. Aitchson

. R. Fasold

در مطالعاتی که در مورد فرسایش زبانی انجام شده، توجه به آسیب‌پذیری دانش واژگانی نسبت به سایر جنبه‌های زبان مانند دستور، آواشناسی و... اهمیت بیشتری دارد؛ همچنین، از مطالعات انجام‌شده روی فرسایش زبانی چنین استنباط می‌شود که بخش واژگان زبان سریع‌تر از سایر جنبه‌های زبان دچار تخریب یا تغییر می‌شود (هولسن، ۲۰۰۰؛ کوپکه و اشمیت، ۲۰۰۴). اعتقاد بر این است که کم و زیادی، نبودن و تغییرات واژگانی در زبان اول به‌میزان بسامد استفاده از زبان اول مربوط است (پارادیس، ۲۰۰۷). با این حال، در مورد فرسایش واژگانی زبان اول، ارتباط آن با سایر جنبه‌های فرسایش و عواملی که باعث ایجاد آن می‌شوند، مطالعات زیادی انجام نگرفته و نتایج متقنی به‌دست نیامده است.

۳-۳- فرسایش واژگانی

از ویژگی‌های بارز فرسایش واژگانی می‌توان به ازبین‌رفتن واژگان، ازبین‌رفتن تمایزات معنایی و کاهش عملکرد در گویشوران بومی اشاره کرد (هوتز، ۲۰۰۴). در مطالعات انجام‌شده روی فرسایش واژگانی نیز ادعاها و نتایج متناقضی به‌دست آمده است؛ برای نمونه، در مطالعاتی که اشمیت (۲۰۰۲) انجام داده، مشاهده شده که ممکن است در یک زبان فرسایش یافته ازبین‌رفتن واژگان بسیار زیاد باشد که حاصل آن کاهش واژگان موجود در یک زبان است؛ اما در برخی مطالعات دیگر نتایج نشان داده که ازبین‌رفتن واژگان می‌تواند بسیار اندک باشد (هوتز، ۲۰۰۴؛ اشمیت، ۲۰۰۲).

چنین استنباط می‌شود که اگر تغییرات در یک زبان به‌صورت تدریجی رخ دهد، تعداد واژگان کمتری در آن زبان ازبین می‌روند، اما اگر تغییرات زبانی به‌طور ناگهانی باشد، واژگان بیشتری در آن زبان ازبین می‌روند. یکی از نظریه‌های ارائه‌شده درباره فرسایش در زبان اول به‌وسیله اشمیت (۲۰۰۲) ارائه شده است. وی چنین بیان می‌کند که دانش زبانی که در ابتدا و زودتر فراگرفته می‌شود، در مقایسه با دانش زبانی‌ای که بعدها و دیرتر یاد گرفته می‌شود، دوام بیشتری دارد و دیرتر در معرض فرسایش زبانی قرار می‌گیرد. در صورتی که دانش زبانی‌ای که به‌تازگی به‌وسیله فرد یاد گرفته شده است، به‌راحتی و آسان‌تر در معرض فرسایش قرار می‌گیرد که از آن به‌عنوان *first in, last out* نام می‌برد. براساس این فرضیه روند فرسایش آینه‌وار معکوس روند یادگیری است. منظور از فرسایش واژگانی ازبین‌رفتن واژگان، تمایزات معنایی و کاهش توانایی فرد در عملکرد است. فرسایش واژگانی در موارد

مربوط به عملکرد زبانی فرد شامل دشواری در به‌خاطر آوردن واژگان (الشتاین، ۱۹۸۹) و افزایش عدم اطمینان در استفاده از واژگان است (گیاکالون رامات، ۱۹۷۹).

۴- یافته‌ها

در این قسمت، ابتدا آمار توصیفی به‌دست‌آمده از تحلیل اولیه داده‌ها ارائه خواهد شد. دو قسمت بعد به بررسی یافته‌های آمار استنباطی و آزمودن فرضیه‌های پژوهش درخصوص نقش «جنسیت» و «سن» در فرسایش واژگانی اختصاص یافته است.

۴-۱- آمار توصیفی

همان‌طور که در جدول (۳) مشاهده می‌شود، میانگین نمرات گروه مردان (۵۷/۲۱) و میانگین گروه زنان پاسخ‌دهنده در آزمون (۴۹/۸) است. با توجه به متغیر جنسیت، مردان درصد نمره بیشتری را کسب کرده‌اند.

جدول (۳). میانگین نمرات توانش واژگانی بر اساس جنسیت

جنسیت	سن	فراوانی	میانگین نمرات توانش واژگانی
مرد	۱۸-۳۰	۶۰	۵۷/۲۱
زن	۶۵- به بالا	۶۰	۴۹/۸

همان‌طور که در جدول (۴) مشاهده می‌شود، میانگین نمرات گروه الف که همان گروه جوان است، (۴۳/۷۸) و میانگین گروه ب که گروه سن بالا را شامل می‌شود، (۶۳/۲۳) است. با توجه به متغیر سن افراد، گروه سنی بالاتر، درصد نمره بیشتری را کسب کرده‌اند.

جدول (۴). میانگین نمرات توانش واژگانی بر اساس سن

گروه‌های سنی	سن	فراوانی	میانگین نمرات توانش واژگانی
گروه الف	۱۸-۳۰	۶۰	۴۳/۷۸
گروه ب	۶۵- به بالا	۶۰	۶۳/۲۳

۴-۲- آزمون فرضیه اول

فرضیه نخست پژوهش حاضر این بود که تفاوت معناداری بین زنان و مردان دوزبانه کردی - فارسی ساکن در شهر اسلام‌آباد غرب از نظر میزان فرسایش واژگان زبان اول وجود ندارد. با توجه به درصد

میانگین به دست آمده از آزمون توانش زبانی، مردان با کسب میانگین (۰/۵۷/۲۱)، نمره بیشتری را نسبت به زنان پاسخ دهنده با نمره (۰/۴۹/۸) کسب کرده‌اند؛ بنابراین، می‌توانیم بگوییم که گویشوران مرد توانایی بیشتری در حفظ واژگان زبان اول (زبان مادری) خود دارند و واژگان زبان اول آن‌ها نسبت به زنان هم‌سن خود کمتر دچار فرسایش شده است.

جدول (۵). آزمون تحلیل واریانس نمرات براساس جنسیت

جنسیت	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	آماره آزمون t	sig	فاصله اطمینان ۹۵٪
زن	۶۰	۴۹/۸	۱۱/۳۷	۱۱۸	-۳/۸۳	۰	کران بالا کران پایین
مرد	۶۰	۵۷/۲۱	۱۰/۴۱				کران بالا کران پایین

براساس جدول (۵)، با توجه به اینکه سطح معنی‌داری کمتر از (۰/۰۵) است، فرض تفاوت نامحسوس میانگین نمرات توانش واژگانی در دو گروه زن و مرد (در سطح معناداری ۰/۵) رد می‌شود، بدین معنی که اختلاف معناداری بین میزان توانش واژگانی در بین این دو گروه سنی وجود دارد؛ به دیگر سخن، میزان توانش واژگانی گویشوران مرد به صورتی محسوس متفاوت از هم‌تایان زن آن‌ها است.

۳-۴- آزمون فرضیه دوم

فرضیه دوم نوشتار پیش رو این بود که تفاوت معناداری بین دو گروه سنی (۱۸ تا ۳۰ و ۶۵ سال و بالاتر) دوزبانه کردی - فارسی ساکن در شهر اسلام‌آباد غرب از نظر میزان فرسایش واژگان زبان اول وجود ندارد. با توجه به درصد میانگین به دست آمده از آزمون توانش واژگانی و مقایسه هردو گروه سنی، گروه سنی جوان‌تر (۳۰-۱۸ سال) با میانگین (۰/۴۳/۷۸)، نمره کمتری را نسبت به گروه سنی بالاتر (۶۵ - بالاتر) کسب کرده‌اند؛ بنابراین، می‌توانیم بگوییم که گروه سنی بالاتر دارای توانایی بیشتری در استفاده از گونه زبانی کردی کلهری هستند و گستره واژگانی وسیع‌تری دارند؛ اما گروه سنی جوان، توانایی کمتری در این زمینه دارند و توانش آن‌ها در حوزه واژگان دچار فرسایش شده است.

جدول (۶). آزمون تحلیل واریانس نمرات بر اساس سن

گروه سنی	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	آماره آزمون t	sig	فاصله اطمینان ۹۵٪
۳۰-۱۸	۶۰	۴۳/۷۸	۷/۱۲	۱۱۸	-۱۷/۶۱	۰	کران بالا کران پایین
<=۶۵	۶۰	۶۳/۲۳	۴/۷۴				کران بالا کران پایین

بر اساس جدول (۶)، با توجه به اینکه سطح معنی‌داری کمتر از (۰/۰۵) است، فرض برابری میانگین نمرات توانش واژگانی در دو گروه زن و مرد (در سطح معناداری ۰/۵٪) رد می‌شود و اختلاف معناداری بین این دو گروه سنی وجود دارد؛ بنابراین، می‌توان گفت که میزان توانش گروه سنی بزرگسال در استفاده از واژگان زبان کردی کله‌ری به‌شکلی محسوس متفاوت از میزان توانش افراد جوان‌تر است و این می‌تواند نشانه‌ای از فرسایش واژگانی در میان گویشوران جوان‌تر گونه کردی کله‌ری باشد.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

بیشتر ساکنان اسلام‌آباد غرب دوزبانه کردی - فارسی هستند و چنین به نظر می‌رسد که دوزبانگی در سطح اجتماعی و نیز جایگاه و نقش زبان فارسی به‌مثابه زبان رسمی و میانجی، زمینه را برای فرسایش زبان کردی کله‌ری فراهم کرده است. بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر بین میزان فرسایش زبان اول (کله‌ری) و متغیرهای غیر زبانی (یا اجتماعی) «جنسیت» و «سن» رابطه‌ای تنگاتنگ و مستقیم وجود دارد. در این پژوهش دو متغیر اساسی «جنسیت» و «سن» که به نظر می‌رسید در روند فرسایش زبانی مؤثر و دخیل باشند، مورد توجه و بررسی قرار گرفتند و به‌خاطر محدودیت‌های پژوهش، متغیر سطح تحصیلات به‌منزله متغیر کنترل کنار گذاشته شد؛ بنابراین، نوشتار پیش رو تمرکز خود را بر روی روشن کردن تفاوت میزان فرسایش واژگان زبان اول (مادری) در بین گویشوران زن و مرد و همچنین بین گویشوران گروه‌های سنی مختلف (۱۸ تا ۳۰ و ۶۵ سال و بالاتر) قرار داد.

همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، به‌طور کلی، پژوهش در زمینه فرسایش زبان اول (زبان مادری) در محیط‌های دوزبانه‌ای که در آن‌ها یک زبان رسمی جایگاه زبان غالب را دارد، اندک است؛ همچنین، پژوهش‌هایی که در آن‌ها رابطه بین متغیرهای غیر زبانی «جنسیت» و «سن» از یک سوی و فرسایش زبان اول از سوی دیگر سنجیده شده باشند، ناچیزتر هستند. با توجه به کمبود پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه، در بخش‌های زیر به تبیین رابطه بین فرسایش زبان اول و متغیرهای فرازبانی جنسیت و سن به‌اختصار پرداخته می‌شود.

۵-۱- فرسایش زبان اول و جنسیت

پژوهش‌های پیشین در مورد رابطه بین زبان و جنسیت نشان داده است که در غالب جوامع زبانی گفتار زنان و مردان در سطوح مختلف زبانی تفاوت‌هایی دارد. بر اساس گزارش‌ها و پژوهش‌های انجام‌شده در

سراسر جهان، تفاوت‌های زبانی مشاهده شده بین زنان و مردان ممکن است مختصر و جزئی باشد و تنها در اصطلاحات یا ویژگی‌های تلفظی معینی خلاصه شود یا بسیار واضح و قابل توجه باشد و مجموعه‌ای از ویژگی‌های آوایی، واژگانی و نحوی را شامل شود (مدرسی، ۱۳۶۸). براساس شماری از پژوهش‌های انجام شده به وسیله پیشگامان میان‌رشته‌زبان‌شناسی اجتماعی، به‌طور کلی زنان نسبت به مردان به گونه‌های زبانی معتبر^۱ و همچنین زبان معیار^۲ توجه بیشتری نشان می‌دهند و نسبت به جایگاه اجتماعی خود حساسیت بیشتری دارند (شای^۳ و دیگران، ۱۹۶۷؛ ولفرام، ۱۹۶۹؛ فاسولد، ۱۹۶۸؛ لباو^۴؛ ۱۹۶۶؛ لوین و کروکت، ۱۹۶۶؛ ترادگیل^۵؛ ۱۹۷۲؛ هلمز^۶، ۲۰۱۳). در پژوهشی درمورد رفتار زبانی زنان و مردان سیاه‌پوست شهر دیترویت در آمریکا، ولفرام (۱۹۶۹) به‌روشنی نشان می‌دهد که زنان نسبت به کاربرد آن دسته از ویژگی‌های زبانی که دارای اعتبار و منزلت اجتماعی بالاتری هستند (برای مثال، تلفظ /r/ پس از واکه^۷) بیش از مردان از خود حساسیت نشان می‌دهند؛ همچنین براساس همین پژوهش، زنان بیش از مردان از ویژگی‌های زبانی کم‌ارزش یا غیر معتبر^۸ پرهیز می‌کنند.

در جوامع چندزبانه که در آن‌ها به‌طور معمول یک زبان غالب با عنوان زبان رسمی، ملی و میانجی وجود دارد، زبان‌های محلی و اقلیت معمولاً از جایگاه و شأن پایین‌تری برخوردار هستند. از آنجاکه زبان رسمی به‌طور گسترده و نظام‌مند در امر آموزش، رسانه‌های گروهی، دولت و مراجع قضایی به‌کار می‌رود، این نگرش منفی و نادرست در ذهن گویشوران زبان‌های اقلیت شکل می‌گیرد که زبان رسمی، دارای شأن و منزلت اجتماعی بالاتری است و بنابراین به‌متابۀ زبان معتبر و معیار بیشتر مورد توجه است. از آنجاکه به‌طور کلی زنان حساسیت بیشتری نسبت به کاربرد گونه‌های زبانی معتبر و معیار دارند و همچنین نسبت به جایگاه اجتماعی خود حساسیت بیشتری نشان می‌دهند (هلمز، ۲۰۱۳)، آنان کاربرد زبان رسمی دارای منزلت اجتماعی بالا را به زبان‌های بومی و اقلیت دارای جایگاه اجتماعی پایین‌تر ترجیح می‌دهند.

- . prestige forms
- . standard language
- . R. Shuy
- . W. Labov
- . L. Crockett & H. J. Levine
- . P. Trudgill
- . J. Holmes
- . postvocalic /r/
- . non-standard
- . prestige

کاربرد عادی و روزمرهٔ زبان تنها جایی نیست که در آن زنان و مردان تفاوت‌هایی را از خود نشان می‌دهند؛ به‌نظر می‌رسد که زنان و مردان در زمینهٔ میزان و روند فرسایش زبانی نیز تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند. بررسی تفاوت‌های موجود بین زنان و مردان دوزبانهٔ کردی - فارسی ساکن در شهر اسلام‌آباد غرب از نظر میزان فرسایش واژگان زبان اول آشکار کرد که گویشوران مرد توانایی بیشتری در حفظ واژگان زبان اول (مادری) خود دارند و واژگان زبان اول آن‌ها نسبت به زنان هم‌سن کمتر دچار فرسایش شده است.

همان‌گونه که یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، با توجه به درصد میانگین به‌دست‌آمده از آزمون توانش زبانی، مردان با کسب میانگین (۰/۵۷/۲۱)، نمرهٔ بیشتری را نسبت به زنان پاسخ‌دهنده با نمرهٔ (۴۹/۸) کسب کردند. یافته‌های پژوهش به‌طور کلی با تمایلات و رفتارهای زبانی زنان در تمایل به استفاده از گونه‌های زبانی معتبر و معیار و پرهیز از کاربرد گونه‌های زبانی غیر معیار هم‌خوانی دارد. نوشتار پیش رو پژوهش‌های پیشین از جمله فراستی (۱۳۹۵) را تأیید می‌کند؛ زیرا براساس نتایج به‌دست‌آمده از آن پژوهش، فرسایش و تغییرات زبانی در میان زنان بیشتر از مردان وجود داشت. تمایل زنان به استفادهٔ بیشتر از زبان‌های رسمی و معتبر رایج در سطح جامعه و پرهیز از کاربرد زبان‌های بومی و اقلیت از لحاظ دیگری نیز مهم است. از آنجاکه زنان وظیفهٔ اصلی تربیت و پرورش کودکان را برعهده دارند، فرسایش زبان اول (زبان مادری) در آن‌ها، به نسل‌های بعدی نیز انتقال یافته و بدین ترتیب زمینهٔ فرسایش هرچه بیشتر زبان‌های بومی و اقلیت و در نهایت جایگزینی و نابودی آن‌ها فراهم می‌شود؛ بنابراین، توانش واژگانی پایین‌تر زنان در زبان‌های بومی و محلی نسبت به مردان، نشانهٔ فرسایش زبان اول در میان آن‌ها و فرسایش هرچه بیشتر کردی کلهری در نسل بعدی گویشوران است.

۲-۵- فرسایش زبان اول و سن

سن نیز مانند جنسیت در اساس جنبهٔ زیست‌شناختی دارد، اما در بررسی‌های زبان‌شناسی اجتماعی سن به‌مثابهٔ عاملی اجتماعی در نظر گرفته می‌شود (مدرسی، ۱۳۳۸). رفتار زبانی یکی از مهم‌ترین و قدرتمندترین مظاهر رفتار اجتماعی است. همان‌گونه که می‌دانیم اعضای یک جامعهٔ زبانی در سنین مختلف الگوهای رفتار زبانی متفاوتی از خود به‌نمایش می‌گذارند. رفتار زبانی افراد در گذر از سنین

گوناگون کودکی، نوجوانی، جوانی، میان‌سالی و پیری متفاوت است و در هر دوره، رفتارها و گرایش‌های زبانی متفاوتی را از خود بروز می‌دهند (مدرسی، ۱۳۳۸). اگرچه به‌طور طبیعی کودکان و نوجوانان از رفتار زبانی افراد بزرگسال محیط خود الگوبرداری و تقلید می‌کنند، اما هر نسل گرایش‌ها، انتخاب‌ها و نوآرهای زبانی خاص خود را دارد. گرایش‌ها و انتخاب‌های زبانی نوجوانان و جوانان خاص آن‌ها بوده و می‌تواند بازتاباننده و نشان‌دهنده سیر تغییر و تحول آینده هر زبانی باشد.

در جوامع چندزبانه که در آن‌ها یک زبان غالب با عنوان‌های گوناگون زبان رسمی، زبان میانجی یا زبان استاندارد در بیشتر عرصه‌های مختلف اجتماعی - فرهنگی به‌مثابه زبان آموزش، رسانه و دیوان‌سالاری به‌کار می‌رود، نوجوانان و جوانان دوزبانه که خواندن و نوشتن را به زبان رسمی آموخته‌اند، به‌طور معمول تمایل بیشتری به کاربرد زبان رسمی در حوزه‌های زبانی مختلف از خود نشان می‌دهند. تسلط و تمایل نوجوانان و جوانان به استفاده از زبان رسمی به‌طور معمول سبب می‌شود که زبان اول (زبان مادری) در حوزه‌های هرچه کمتر و محدودتری به‌کار رود و این امر منجر به فرسایش زبان اول به‌ویژه در سطح واژگانی نزد افراد دوزبانه می‌شود.

بررسی تفاوت‌های موجود بین دو گروه سنی جوان (۱۸ تا ۳۰) و مسن (۶۵ سال و بالاتر) دوزبانه کردی - فارسی ساکن در شهر اسلام‌آباد غرب از نظر میزان فرسایش واژگان زبان اول نشان داد که گروه سنی بالاتر (۶۵ سال و بالاتر) دارای توانایی بیشتری در استفاده از کردی کلهری هستند، اما گروه سنی جوان (۱۸ تا ۳۰) توانایی کمتری در این زمینه دارند و زبان اول (مادری) آن‌ها آشکارا دچار فرسایش بیشتری شده است. این نتایج با یافته‌های هانسن (۱۹۹۶) هم‌سو و مطابق است که معتقد است گویشوران با سن پایین‌تر بیشتر از زبان معیار استفاده می‌کنند و زبان اول آن‌ها در معرض فرسایش واژگانی بیشتری قرار می‌گیرد. بالاتر بودن درصد فرسایش واژگانی در میان جوانان و نوجوانان نسبت به افراد مسن نتایج دامنه‌داری در میزان و چگونگی پیشرفت روند فرسایش در زبان‌های بومی و اقلیت دارد.

نوجوانی دوره‌ای است که افراد به‌طور جدی وارد عرصه‌های گوناگون اجتماعی می‌شوند و یافتن شغل و مشغول‌شدن به یک حرفه به بخش مهمی از هویت اجتماعی آن‌ها تبدیل می‌شود. در جوامع چندزبانه، جوانان به‌منظور یافتن فرصت‌های شغلی بهتر، استفاده از زبان رسمی را به استفاده از زبان بومی و اقلیت ترجیح می‌دهند؛ بنابراین، استفاده از زبان رسمی در موقعیت‌ها و حوزه‌های زبانی بیشتر و

استفاده از زبان‌های بومی و اقلیت در موقعیت‌ها و حوزه‌های هرچه محدودتر، زمینه‌ساز فرسایش زبان بومی و اقلیت از سوی جوانان است؛ بنابراین، توانش واژگانی پایین‌تر جوانان نسبت به افراد مسن در جامعه زبانی اسلام‌آباد غرب، نشانه فرسایش زبان اول (کردی کلهری) در میان آن‌ها و فرسایش هرچه بیشتر کردی کلهری در نسل بعدی گویشوران است.

در پایان، با توجه به گرایش‌ها و انتخاب‌های زبانی زنان و جوانان و توجه آن‌ها به زبان معتبر و رسمی در سطح جامعه، بالاتر بودن درصد فرسایش واژگانی در میان زنان و جوانان نشان‌گر در جریان بودن روند فرسایش زبان اول در میان دوزبانه‌های کردی - فارسی اسلام‌آباد غرب است و اگر چاره‌ای اندیشیده نشود، به جایگزینی و حذف آن می‌انجامد.

منابع

- آرانسکی، یوسف میخائیلوویچ (۱۳۷۸). *زبان‌های ایرانی*. ترجمه: علی اشرف صادقی. تهران: سخن.
- فراستی، شهلا (۱۳۹۵). *فرسایش و تغییرات زبانی در کردی کلهری ایلامی‌های مقیم تهران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، کرمانشاه: دانشگاه رازی.
- محمودی، علی (۱۳۸۷). *بررسی فرسایش و تغییرات زبانی در زبان کردهای سردشتی مقیم تهران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، سندج: دانشگاه آزاد اسلامی.
- مدرسی، یحیی (۱۳۳۸). *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی).

References

- Aitchson, J. (2013). *Language change: Progress or decay?*(4th ed.). Cambridge: Cambridge University Press.
- Farasati, Sh. (2016). Language Attrition among Kalhuri Kurdish Speakers Living in Tehran. M.A. Thesis, Razi University, Kermanshah (In Persian).
- Fasold, R. W. (1987). *The sociolinguistics of society*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Fasold, R. W. (1968). *A sociolinguistic study of the pronunciation of three vowels in Detroit speech*. Unpublished mimeo: Center for Applied Linguistics.
- Giacalone Ramat, A. (1979). Language function and language change in minority languages. *Journal of Italian Linguistics* 4. 141-162.
- Hansen, L. (1996). Fitting the pieces together: Attrition curves in the longterm attrition of a second language. Paper presented at the AILA Eleventh World Congress of Applied Linguistics, Jyväskylä, Finland. In Conference Abstracts, 48.
- Hansen, L. (1999). *Second Language Attrition in Japanese Contexts*. Oxford university press.
- Herdina, P., & Jessner, U. (2002). *A Dynamic Model of Multilingualism: Perspectives of*

- Change in Psycholinguistics*. Clevedon: Multilingual Matters.
- Holmes, J. (2013). *An Introduction to Sociolinguistics* (4th edition). London: Pearson.
- Hulsen, M. (2000). *Language loss and language processing: Three generations of Dutch migrants in New Zealand*. Nijmegen: Katholieke Universiteit Nijmegen.
- Hutz, M. (2004). Is there a natural process of decay? A longitudinal study of language attrition. In M. S. Schmid, B. Köpke, M. Keijzer & L. Weilemar (Eds.), *First language attrition: Interdisciplinary perspectives on methodological issues* (pp. 189-207). Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins.
- Kasap, S. (2015). A case study related to the first language attrition among Kurdish-Turkish bilingual students in Turkey. *Bingöl Üniversitesi Ya ayan Diller Enstitüsü Dergisi*, 1 (2), 67-81.
- Köpke, B & Schmid., M. S. (2004). First language attrition: The next phase. In M. S. Schmid, B. Köpke, M. Keijzer & L. Weilemar, L. (Eds), *First language attrition: Interdisciplinary perspectives on methodological issues* (pp. 1-43). Amsterdam: John Benjamins.
- Labov, W. (1966). *The Social Stratification of English in New York City* (Washington, DC: Center for Applied Linguistics).
- Levine, L. & H. J. Crockett (1966). Speech variation in a Piedmont community: postvocalic r. In S. Lieberson (Ed.), *Explorations in sociolinguistics* (pp.204-226). The Hague: Mouton.
- Mahmoudi, A. (2008). Investigate Language Attrition and Changes among Native Speakers of Sardasht Kurds Living in Tehran. M.A. Thesis, Islamic Azad University of Sanandaj (In Persian).
- Modarresi, Y. (1989). *An Introduction to Sociolinguistics*. Tehran: Institute for Humanities & Cultural Studies (In Persian).
- Olshtain, E. (1989). Is second language attrition the reversal of second language acquisition? *Studies in Second Language Acquisition* 11, 151-165.
- Oranskiji, I. M. (1999). *Iranian languages* (Translated by Ali Ashraf Sadeghi). Tehran: Sokhan Publication (In Persian).
- Paradis, M. (2007). L1 attrition features predicted by a neurolinguistic theory of bilingualism. Language attrition. In B. Köpke, M.S. Schmid, M. Keijzer & S. Dostert (Eds.), *Language attrition: Theoretical perspectives* (pp.121-133). Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins.
- Schmid M. S. & B. Köpke, (2007). Bilingualism and Attrition. In Köpke, B. Schmid, M.S, Keijzer, M. and dostert, S. (Eds), *Language Attrition* (pp. 1-7): The Theoretical Perspective, Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins.
- Schmid, M. S. (2002). *First Language Attrition, Use and Maintenance: The Case of German Jews in Anglophone Countries*. Amsterdam and Philadelphia: John Benjamins.
- Seliger, H. (1996). Primary language attrition in the context of bilingualism. In R. Bhatia (Ed.), *Handbook of second language acquisition* (pp. 605-626). San Diego: Academic Press.
- Shuy, R., W., W. A. Wolfram & W. K. Riley (1967). *Linguistic correlates of social stratification in Detroit speech*. Cooperative Research Project 6-I 347. East Lansing:

U.S. Office of Education.

Trudgill, P. (1972). Sex, Covert Prestige and Linguistic Change in the Urban British English of Norwich. *Language in Society* Vol. 1, No. 2 (Oct., 1972), pp. 179-195.

Trudgill, P. (1997). *Sociolinguistics: An Introduction to Language and Society* (translated by Mohammad Tabatabaai). Tehran: Agah Publication (In Persian).

Weltens, B. & A. Cohen (1989). Language Attrition Research: An Introduction. *Studies in Second Language Acquisition*, 11 (2), 127-133. Retrieved May 4, 2021, from <http://www.jstor.org/stable/44488220>

